

نسبت فضای اجتماعی با عملکرد نخستین دوره مجلس (۱۳۶۳-۱۳۵۹)

سمیه زمانی*
احمد گل محمدی**
ابوالفضل دلاوری***
وحید سینایی****

چکیده

مسئله اصلی این مقاله، بازشناسی نسبت میان فضای اجتماعی و عملکرد نخستین دوره مجلس شورای اسلامی است. ادبیات پیشینی در این باره بیشتر با رویکردی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکترا با عنوان «تأثیر فضای اجتماعی بر عملکرد مجلس شورای اسلامی» است.

* دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران، (s_zamani_th@yahoo.com)

** (نویسنده مسئول) دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران، (Ahmad.Golmohammadi@gmail.com)

*** دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران، (abdelavari@gmail.com)

**** دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مشهد، ایران، (sinaee@um.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۶

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۸، صص ۹۹-۱۳۰

نهادی یا ساختاری پیش رفته‌اند، اما در اینجا مجالس قانون‌گذاری در فضایی آکنده از روابط میان جایگاه‌های متنوع، افراد، گروه‌ها، و نهادها ترسیم شده‌اند. در این مقاله با بهره‌گیری از ابزارهای مفهومی پیربوردیو، به‌ویژه مفهوم «فضای اجتماعی»، «عملکرد»، و مفاهیم مرتبطی مانند میدان، پرسمان مشروع، باور رایج، عادت‌واره، و سرمایه، عملکرد نخستین دوره مجلس شورای اسلامی تبیین شده است. همچنین، با استفاده از روش تفسیری و تحلیل مضمون در تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد که ایدئولوژی انقلاب اسلامی، به‌عنوان باور رایج در میدان قدرت، به غلبه موضع اسلام‌گرایان انقلابی در پرسمان مشروع در سه میدان سیاسی، انتخابات، و مجلس انجامید و منازعات میان کانون‌های تولید عقیده در میدان‌های بالا، به‌ویژه بین دو قطب اسلام‌گرایی انقلابی و میانه‌رو اصلاحی، میدان عملکرد مجلس اول را ایجاد کرد. بیشتر پرسش‌های مطرح‌شده در میدان‌های سیاسی، انتخابات، و مجلس، توسط طبقه حاکم شکل می‌گرفت و پاسخ‌ها به نسبت نزدیکی و دوری از کانون قدرت تأیید یا رد شدند. عملکرد میدان مجلس نیز با بازتولید ایدئولوژی انقلاب اسلامی و الگوهای اسلامی، انقلابی، و ملی‌گرای مصلحت‌جویانه، منازعات میدان قدرت، سیاست، و انتخابات را بازتولید کرد؛ روندی که با تمایزگذاری سلطه‌جویانه موجب حذف رقبای اسلام‌گرای انقلابی شد؛ بنابراین، میان عملکرد مجلس با فضای اجتماعی، رابطه متقابلی وجود داشت. نتایج این پژوهش نشان داد که در ابتدای انقلاب، فضای سیاسی تاحدودی با فضای اجتماعی تقارن داشت، اما به‌تدریج سیر تمایزگذاری‌های سلطه‌جویانه موجب عدم تقارن تحولات اجتماعی با تحولات سیاسی شد. واژگان کلیدی: عملکرد، بوردیو، فضای اجتماعی، نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، میدان، قدرت، انتخابات

مقدمه

عملکرد مجالس قانون‌گذاری اغلب با رویکرد نهادی و ساختاری بررسی شده است، اما این مجالس می‌توانند در فضایی متشکل از روابط میان جایگاه‌ها، افراد، گروه‌ها، و نهادها دیده شوند و عمل کنند.

این نگرش به مجلس برآمده از رویکرد جامعه‌شناسی تکوینی پیر بردیو و مفهوم فضای اجتماعی او است. بردیو برای تحلیل عملکرد یا کنش، فضای اجتماعی را «فضای تفاوت» می‌خواند. او در این راستا از اصل تعمیم‌گری سخن می‌گوید که تفاوت‌ها را در دنیای عینی بازسازی می‌کند. این اصل همان «ساختار توزیع شکل‌های قدرت یا انواع سرمایه در جهان اجتماعی» است (بردیو، ۱۳۸۰: ۷۲). از این منظر، فضای اجتماعی را می‌توان بر مبنای شناخت موضع‌گیری عاملان در کسب سرمایه تبیین کرد. همین موضوع، موجب منازعه مستمر بین عاملان شده و میدان‌ها به فضایی از کشمکش پیوسته و مداوم برای کسب سرمایه تبدیل می‌شوند.

این مقاله بر اساس منازعات موجود برای کسب سرمایه، در صدد ارائه الگویی مفهومی نظری برای تحلیل عملکرد مجلس اول است و در این راستا نیز از مفاهیم فضای اجتماعی و عملکرد بهره می‌گیرد.

پژوهش حاضر در ابتدا با پرسشی درباره چگونگی تأثیر فضای اجتماعی بر عملکرد مجلس شورای اسلامی پیش رفت، اما در ادامه دریافتیم که به دلیل کمی بودن تأثیر و حجم گسترده داده‌ها، یافتن تأثیر این دو متغیر غیرممکن است؛ از این رو، در صدد یافتن نسبت و فهم رابطه میان این دو متغیر با استفاده از رویکرد تفسیری و تحلیل مضمون—برآمدیم تا دریابیم که فضای اجتماعی چه نسبتی با عملکرد نخستین دوره مجلس شورای اسلامی دارد؟ در این راستا با گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و

کتابخانه‌ای و تحلیل مضمون به تفسیر و درک این رابطه پرداختیم.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون چندین پژوهش به منظور بررسی رفتار مقننه انجام شده است که صورت متعارف در آن‌ها استفاده از چارچوب نظری نهادگرایی است (نوریس، ۲۰۰۲؛ های وون جون و سیمون هیکس، ۲۰۱۰؛ کارسون و سی اورت، ۲۰۱۵)، اما این مقاله به لحاظ مسئله و رویکرد با آن‌ها متفاوت است. پژوهش‌هایی نیز درباره تأثیر شفافیت بر رفتار قانون‌گذاری و به‌ویژه آرای نمایندگان انجام شده است (بیش، باتلر و هوفر، ۲۰۱۸؛ هوگ و وست، ۲۰۱۴) که باز هم به لحاظ روش و مسئله، با موضوع این مقاله تفاوت دارند.

ما در این مقاله سعی کرده‌ایم، عملکرد مجلس را به‌مثابه عرصه منازعات بین گروه‌ها و در قالب روابط موجود میان مواضع در حوزه‌های قدرت، سیاست، و انتخابات و درنهایت، مجلس، واکاوی کنیم. افزون‌براین، کاربرد مفاهیم نظری بوردیوی برای تحلیل عملکرد مجلس، خود نقطه تمایز این مقاله با پژوهش‌های دیگر است که ورای نگاه نهادی به عاملیت عاملان اجتماعی نیز توجه دارد.

در زمینه مباحث کاربردی در ایران نیز عملکرد مجلس شورای اسلامی، خود موضوع پژوهش‌های مستقلی بوده است (زمانی، ۱۳۸۸؛ سینایی و زمانی، ۱۳۹۰؛ (فقیهی، ذاکری و اسدی، ۱۳۹۳؛ زارعی و فوزی، ۱۳۹۵؛ مرادی، ۱۳۹۵) حتی در بررسی تحولات سیاسی پس از انقلاب، منازعات بین جریان‌های سیاسی، موضوع برخی از آثار بوده‌اند (فوزی، ۱۳۸۴؛ خواجه‌سروی، ۱۳۸۲) که گاهی مقطع آن با موضوع این مقاله متفاوت بوده است (شادلو، ۱۳۸۱؛ سرزعی، ۱۳۹۵).

اما این مقاله، هرچند در ساخت مفاهیم نظری خود از یافته‌های آثار یادشده بهره می‌گیرد، اما سعی دارد با وام گرفتن مفاهیم «فضای اجتماعی» و «عملکرد» از بوردیو و از دیدگاه ورای بررسی‌های نهادگرایانه با رویکرد ساختارگرایی تکوینی، الگویی مفهومی نظری برای عملکرد مجلس اول استخراج کند و موضوع خود را با رویکرد نظری بوردیو — که تاکنون در این باره به کار گرفته نشده است — مطرح و بررسی کند. براین‌مبنای، مجلس را درون فضایی از مناسبات قدرت بررسی می‌کند. همچنین،

منازعات میان مواضع موجود را از طریق واکاوی مضامین متن‌ها بررسی می‌کند و همین امر، نقطه تمایز این مقاله است.

اما تفاوت شرایط جامعه ایران با جامعه فرانسه — سوژه بوردیو — موجب شد که الگوی نظری را از بوردیو وام بگیریم، اما وجوه انضمامی و محتوایی آن، بسیار تغییر کرده و نظریه بوردیو را به صورت شکلی و با بازتعریف مفاهیمی مانند طبقه و سرمایه به کار گرفته‌ایم، زیرا بوردیو مفهوم ویژه‌ای از طبقه و سرمایه را که خاص نظام سرمایه‌داری است، به کار می‌گیرد، اما در ایران به دلیل وجود دولت رانتیر، طبقه و سیاست طبقاتی به معنای مورد نظر او موجودیت ندارد و نمی‌تواند مبنای تحلیل تحولات باشد، به این دلیل که پویای سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی در جوامعی که منبع اصلی درآمد دولت آن‌ها مالیات است، با دولتی که منبع اصلی درآمد آن رانت است، تفاوت دارد. منظور از رانت نیز درآمد حاصل از مواهب طبیعی است که کسب آن همانند سود سرمایه و دستمزد، مستلزم کار و تلاش اقتصادی نیست (حاجی یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۵۳)؛ از این رو، ناگزیر از بومی‌سازی نظریه بوردیو هستیم.

۲. چارچوب نظری

چارچوب این تحلیل بر دو مفهوم اصلی «عملکرد» و «فضای اجتماعی» استوار است که از دارایی‌های نظری-مفهومی بوردیو برگرفته شده است. بوردیو بر این نظر است که عملکردها به نظام کاملی از روابط تعلق دارند و در قالب آن نظام تولید می‌شوند (بوردیو، ۱۹۶۸: ۳۲)؛ هرچند بوردیو، عملکرد را در معناهای نسبتاً متفاوتی به کار می‌برد. دیدگاه او درباره نسبت عملکرد و فضای اجتماعی، نسبتاً ثابت است (وارد، ۲۰۰۴: ۵-۶)؛ بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۱؛ ۱۳۹۳: ۲۸۷). او عملکرد را موضع‌گیری‌ها یا انتخاب‌های کارگزاران اجتماعی از میان گزینه‌های متنوع می‌داند که ممکن است انتخاب یک گرایش فرهنگی، یک عقیده سیاسی، یک حزب، یا نوع پوشش را دربرگیرد (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۲).

فضای اجتماعی نیز بر مبنای تمایز، فاصله‌گذاری، و تفاوت ایجاد می‌شود و

تابعی است از «میدان»^۱، «عادت‌واره»^۲، و «سرمایه»^۳. به‌نظر بوردیو، فهم معتبرتر تعاملات یا پدیده‌های اجتماعی مشخص، نیازمند توجه به فضای اجتماعی برآمده از ترکیب میدان، سرمایه، و عادت‌واره است (بوردیو، ۲۰۰۵: ۱۴۸). همچنین، بوردیو میان فضای اجتماعی و عملکرد، نسبتی برقرار می‌کند که با نسبت میان میدان، عادت‌واره، و سرمایه پیوند می‌خورد: «عملکرد=میدان+(سرمایه) * (عادت‌واره)» (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۰۱). این معادله، مبنای الگوی مفهومی نظری این مقاله است. براین‌مبنا، عملکرد، نتیجه رابطه میان تمایلات شخص (عادت‌واره) و جایگاه او در میدان (برمبنای میزان سرمایه) است که در شرایط مشخصی نمود پیدا می‌کند. بوردیو میدان را فضای ساختارمندی از مواضع متفاوت تعریف می‌کند. در جوامع بسیار تفکیک‌یافته، میدان‌ها از منطق و ضرورت خاص و گریزناپذیر خود برخوردار هستند (بوردیو و وکونت^۴، ۱۹۹۲: ۷۲).

به‌نظر بوردیو، دلیل منازعات درون میدان، کسب «سرمایه» است و میدان‌ها بازار سرمایه‌های خاصی هستند که در آن، عامل اجتماعی براساس استعداد خاص خود و به‌واسطه و سود انواع سرمایه می‌اندیشد و عمل می‌کند (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۱۳۹). سرمایه، منبع مهمی است که در طول زندگی استفاده می‌شود. سرمایه اقتصادی به میزان سرمایه مادی در نظام تولیدی، سرمایه اجتماعی به شبکه‌های آشنایان و سرمایه فرهنگی به دانش، سلیقه، و شیوه زندگی مربوط می‌شود که به فرد اجازه می‌دهد از طریق آن، به منزلت دست یابد. سرمایه نمادین، نوع دیگری از سرمایه است که بوردیو آن را به هرگونه دارایی‌ای اطلاق می‌کند که «دسته‌ای از اعضای اجتماع آن را دریافت می‌کنند؛ کسانی که مقوله‌های فاهمه آنان چنان است که آنان را قادر کند که این دارایی را بشناسند و همچنین به رسمیت بشناسند» (بوردیو، ۱۳۸۰: ۱۵۴). البته هر نوع از سرمایه، قابل تبدیل به نوع دیگر است. در جوامع سرمایه‌داری این سرمایه اقتصادی است که به سرمایه‌های دیگر تبدیل می‌شود.

1. Field
2. Habitus
3. Capital
4. Bourdieu&Wacquant

«عادت‌واره» مفهوم دیگری است که بورديو آن را به کار می‌گیرد. عادت‌واره، اصول تکثیرگر رفتارهای متمایز و متمایزکننده است که میان آنچه خوب و بد یا ممتاز و معمولی است تفاوت می‌گذارد. نکته اصلی این است که این موارد نزد همه یکسان نیستند (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۷)، اما میان گروهی که در جایگاه یکسان به سر می‌برند، مشابه هستند. بورديو از نسبت میان میدان، سرمایه، و عادت‌واره برای تحلیل کنش اجتماعی روزمره افراد و گروه‌ها استفاده می‌کند و ما با تفسیر و بسط آن، عملکرد مجلس را که در واقع مجموعه‌ای از کنش‌های سیاسی گروه‌هایی از نمایندگان است، تحلیل می‌کنیم.

۳. الگوی تحلیل عملکرد مجلس

در اینجا از خود بورديو وام می‌گیریم و به تفسیر و بسط نظریه او با هدف تحلیل عملکرد مجلس می‌پردازیم. بورديو در بخشی از کتاب «تمایز» (۱۹۷۹) کنش سیاسی عاملان را بر مبنای فضای اجتماعی تحلیل می‌کند. وی می‌گوید، رابطه میان واقعیت و باز نمودها از مجرای عادت‌واره است که تعریف‌کننده نوع رابطه با موقعیت در میدان و همچنین، موقعیت‌های عملی یا آشکار در دنیای اجتماعی است (بورديو، ۱۳۹۵: ۵۶۳).

براین مبنا او توضیح می‌دهد که چرا توزیع عقاید سیاسی میان دو موضع راست و چپ سیاسی، انطباق زیادی با توزیع طبقات و پاره‌طبقات در فضایی دارد که نخست بر اساس کل حجم سرمایه و سپس بر مبنای ترکیب سرمایه مشخص می‌شود؛ به گونه‌ای که گرایش به رأی دادن به احزاب دست‌راستی همراه با کل حجم سرمایه و وزن نسبی سرمایه اقتصادی افزایش می‌یابد و این فرایند در مورد گرایش رأی دادن به چپ‌ها جهت معکوس دارد (بورديو، ۱۳۹۵: ۶۰۰). به نظر او انتخاب‌های سیاسی، از طبقه اجتماعی مستقل نیستند (بورديو، ۱۳۹۵: ۶۱۷).

براین اساس، تحلیل عملکرد مجلس در قالب موضع‌گیری‌های نمایندگان، بخشی از کنش سیاسی گروه‌هایی از نمایندگان و به عبارتی نزاع میان طبقات مسلط و زیرسلطه در میدان‌های قدرت، سیاست، انتخابات و مجلس است. افزون‌براین، به نظر بورديو برای تحلیل فضای اجتماعی باید میدان‌های اجتماعی را مطالعه کرد.

از این منظر، هر میدان با بررسی مناسبات درونی آن، نشان دادن مواضع عاملان، و منازعات میان آنان در راستای منافعشان و کسب سرمایه شناخته می‌شود و طبقات مسلط و زیرسلطه را مشخص می‌کند. همچنین، بنا به پژوهش‌های انجام‌شده، عملکرد مجالس قانون‌گذاری، تابعی از ویژگی‌های متفاوت فضای پیرامونی آن‌ها است (اولسون، ۱۳۸۲؛ نرتن و فیلیپ^۱، ۱۹۹۹؛ سینایی و زمانی، ۱۳۹۰) که می‌تواند در قالب میدان‌هایی مانند قدرت، سیاست، انتخابات، و مجلس مفهوم‌بندی شود. «فهم ارزش و اثر روابط متقابل» این میدان‌ها بر یکدیگر به‌ویژه میدان قدرت، سیاست، و اقتصاد در شناخت فضای اجتماعی مهم است (بورديو، ۲۰۰۰: ۱۲۱)؛ از این رو، هنگامی که از مجلس به مثابه یک میدان یاد می‌شود، منظور خرده‌میدانی تابع میدان‌های بزرگ‌تر قدرت، سیاست، و انتخابات است.

میدان قدرت یک فرامیدان است که در آن دارندگان سرمایه‌های گوناگون نبرد می‌کنند؛ هرچند میدان‌های کوچک‌تری که میدان قدرت را می‌سازند، همگی در یک سطح نیستند (بورديو، ۱۹۹۴: ۱۴۴). در این میان، بورديو، پژوهش حوزه قدرت را به موازات تحقق دولت می‌داند و بر این نظر است که دارندگان سرمایه‌های گوناگون برای اعمال قدرت بر دولت یا سرمایه دولتی (که قدرت اعمال نفوذ بر انواع مختلف سرمایه و بازتولید آن را ایجاد می‌کند)، درون حوزه قدرت نبرد می‌کنند (بورديو، ۱۳۸۱: ۱۴۴). به نظر بورديو، کسانی که در میدان قدرت بر دولت مسلط می‌شوند، دیدگاه خود را با قدرت به یک دیدگاه عام و امری بدیهی تبدیل می‌کنند که به آن «باور رایج» می‌گویند (بورديو، ۱۳۸۱: ۱۷۴). در واقع، قدرت قادر است با عام کردن خاص‌ها خود را بازتولید کند.

میدان سیاسی نیز خرده‌میدانی درون میدان قدرت است که در آن کنشگران بر سر محصولات سیاسی، مسائل، برنامه‌ها، تحلیل‌ها، تفسیرها، مفاهیم، و وقایع رقابت می‌کنند. میدان سیاسی با محدود کردن حوزه گفت‌وگو سیاسی، مرزهای حوزه‌ای را محدود می‌کند که می‌توان به لحاظ سیاسی به آن اندیشید و به این ترتیب، تأثیر سانسورکننده‌ای دارد. «این تقلیل‌دهندگی، میدان سیاسی را به فضایی محدود می‌کند

1. Norton, Philip

که گفتمان باید در آن تولید و بازتولید شود، یعنی در چارچوب یک پرسمان سیاسی» (بوردیو، ۱۳۸۸: ۸۲ و ۸۳)؛ این پرسمان چیزی جز میدان ایدئولوژیک نیست. منظور از میدان ایدئولوژیک، جهانی از رابطه‌های عینی است که خودبه‌خود به مواضع سیاسی‌ای تبدیل می‌شوند که محتوای آن‌ها با قرارگاه‌هایی که از آن سرچشمه گرفته‌اند، تعریف می‌شود. این میدان، جهان نسبتاً مستقلاً است که در آن از فرایند رقابت و تضاد، ابزارهای اندیشیدن درباره دنیای اجتماعی خلق می‌شود و از مجرای آن میدان، چیزهایی که به‌لحاظ سیاسی می‌توان به آن‌ها اندیشید (پرسمان مشروع) تعریف می‌شود (بوردیو، ۱۳۹۵: ۵۴۹).

به‌نظر او عقیده سیاسی، یک عقیده جزمی و راسخ است که تظاهر به واقعی بودن می‌کند و هرچه گروهی که با این عقیده سیاسی و توانایی نمادین آن بسیج می‌شوند، پرتعدادتر و قدرتمندتر باشند، قدرت تحقق بالقوه آن بیشتر می‌شود (بوردیو، ۱۳۹۵: ۵۶۸).

از این منظر، عقیده سیاسی به سه شیوه تولید می‌شود: نخست خلق و خوی طبقاتی که در مورد همه مسائل زندگی روزمره صدق می‌کند، دوم بر مبنای یک برنامه سیاسی، و سوم انتخابی دو مرحله‌ای یعنی شناسایی پاسخ‌های سازگار با خط یک حزب سیاسی (بوردیو، ۱۳۹۵: ۵۷۷-۵۷۵).

درون میدان سیاسی، یک خرده‌میدان میانجی به نام «انتخابات» وجود دارد که کانون کشمکش برای تعیین شرایط و معیارهای حضور در سلسله‌مراتب مشروع قدرت است. پرسمان مشروع در میدان سیاسی به پرسش و پاسخ‌های سیاسی در این میدان نیز شکل می‌دهد و مسائل و پاسخی‌هایی که خارج از این پرسمان مطرح شوند، طرد و نفی می‌شوند. مجموعه‌ای از انتخاب‌های عاملان بر مبنای گزینه‌های موجود در میدان انتخابات به طبقه‌بندی میدان مجلس می‌انجامد و کرسی‌های مجلس براساس آرا، طبقه مسلط و زیرسلطه را مشخص می‌کند.

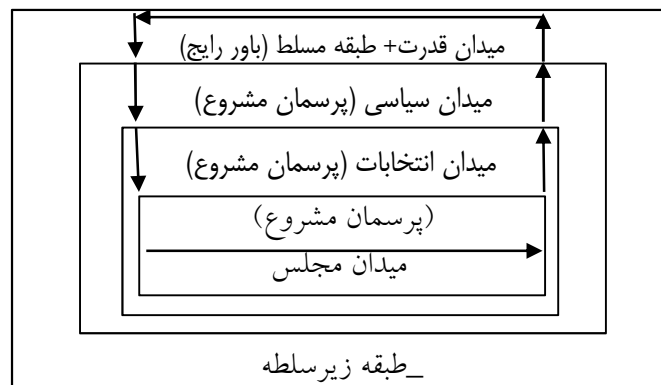
به این ترتیب، خرده‌میدان مجلس در میدان انتخابات قرار می‌گیرد که شبکه‌ای از روابط استوار بین موقعیت‌های مختلف نمایندگان و گروه‌ها است. پرسمان مشروع در این میدان نیز در قالب مسائلی که به‌عنوان طرح یا لایحه مطرح می‌شوند یا موضوع پرسش‌ها، رأی اعتمادها، و استیضاح‌ها، نطق پیش از دستور، و بیانیه‌ها نمود می‌یابد، اما

این خاصیت میدان قدرت است که تعیین‌کننده موضع برتر و طبقه حاکم در این میدان‌ها به نسبت نزدیکی یا دوری مواضع با باور رایج است. براین اساس، میدان مجلس به میدان انتخابات، سیاست، و قدرت وابسته است؛ هرچند خود این وابستگی از نظامی به نظام دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر تغییر می‌کند. در مجموع، به نظر می‌رسد باور رایج و پرسمان مشروع و نسبت مواضع موجود در پرسمان مشروع به باور رایج، می‌تواند نسبت میان میدان‌ها و عملکرد مجلس را مشخص کند.

در نهایت، معادله بورديو درباره عملکرد مجلس را می‌توان بر مبنای شکل شماره (۱) ترسیم کرد. علامت مثبت به معنای نزدیکی به قدرت و برخورداری از سرمایه سیاسی و حجم بیشتر سرمایه است که جایگاه بالای میدان قدرت را نصیب عاملان اجتماعی می‌کند و علامت منفی، معنایی برعکس دارد.

باور طبقه مسلط، به مثابه امری بدیهی و رایج، سلطه آنان را تضمین می‌کند و موضع مسلط در پرسمان مشروع بر مبنای نزدیکی به موضع قدرت و باور رایج در میدان سیاسی مشخص می‌شود. پرسمان مشروع نیز در میدان‌های انتخابات و مجلس نمود یافته و در نهایت، عملکرد مجلس بر مبنای موضع‌گیری عاملان در این پرسمان مشروع در قالب موافقت‌ها و مخالفت‌ها در عملکرد تقنینی، نظارتی، و شبه‌نظارتی نمود عینی می‌یابد؛ چیزی که برابندی از تعلق حزبی یا گروهی و نزدیکی یا دوری به قدرت (سرمایه سیاسی) و نگرش و سلیقه‌های آنان (بخشی از عادت‌واره) است و در واقع، به جایگاه آنان در میدان به عنوان طبقه مسلط یا زیرسلطه وابسته است.

شکل شماره (۱). رابطه میان میدان و عملکرد



در اینجا میدان قدرت، سیاست، انتخابات، و مجلس را در چارچوب مواضع موجود سیاسی که در قالب شخصیت‌ها یا گروه‌های سیاسی درگیر قدرت نمود می‌یابند و متون متناسب به طبقه حاکم و غیرحاکم که سرمایه مادی شده این عاملان اجتماعی است، عملیاتی و تحلیل می‌کنیم.

همچنین، هنگامی که بر مبنای آرای بوردیو، از عملکرد مجلس سخن می‌گوییم، موضع‌گیری‌هایی را در نظر داریم که بر اساس ترجیحات و اولویت‌های برآمده از میدان مجلس شکل می‌گیرد و در اشکال تقنینی، نظارتی، و شبه‌نظارتی نمود می‌یابد. عملکرد تقنینی معطوف به تصویب قوانین است. در ایران، به دلیل عدم شفافیت آرای نمایندگان، ناگزیر از ارجاع به مصوبات مجلس یا مذاکرات بررسی طرح‌ها و لوایح هستیم که می‌تواند ترجیحات، موضع‌گیری‌ها، و انتخاب‌های نمایندگان را نشان دهد. در عملکرد نظارتی نیز رأی اعتماد به کابینه، پرسش‌ها، و استیضاح‌ها و در عملکرد شبه‌نظارتی، نامه‌های نمایندگان و نطق‌های پیش از دستور بررسی شدند که کنش‌های نمایندگان و موضع‌گیری آنان در هر سه دسته، نمود می‌یابند.

از آنجاکه عملکرد با انتخاب‌های متنوع و متفاوت، جهانی از تمایزها را نمود عینی می‌بخشد، میدانی از موقعیت‌های عاملان را در جهان واقعی می‌سازد؛ از این رو، درباره مجلس می‌توان از میدان عملکرد مجلس و به صورت مصداقی، از میدان قانون‌گذاری، میدان نظارت، و میدان شبه‌نظارت نام برد.

این الگو را باید برای تحلیل عملکرد مجلس شورای اسلامی، بر مبنای مختصات ایران ترسیم کرد. بوردیو در تحلیل جامعه فرانسسه، بنا به ویژگی‌های سرمایه‌داری، بر دو اصل متمایزکننده سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی تأکید دارد که سرمایه اقتصادی به سایر سرمایه‌ها قابل تبدیل است (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۶ و ۴۰). همچنین، به نظر او طبقه، متشکل از مجموعه یکدستی از عاملان اجتماعی است که موضع مشابهی را در فضای اجتماعی اشغال می‌کنند و نوعی همانندی همراه با کنش جمعی مشترک دارند (گرنفل، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

اما خود او هنگام اشاره به جوامع کمونیستی مانند آلمان شرقی، از سرمایه سیاسی به مثابه اصل تمایزبخش سخن می‌گوید، زیرا در این کشورها، سرمایه اقتصادی یعنی مالکیت خصوصی وسایل تولید از بازی بیرون است. از این منظر

در این کشورها سرمایه سیاسی به عنوان اصل تمایزبخش، برای «صاحبانش نوعی بهره‌مندی خصوصی از امکانات و ثروت‌های عمومی» را در پی دارد. در واقع، در جایی که کنترل و جلوگیری از انباشت‌های مالی وجود دارد، سرمایه سیاسی، اصل تمایزگذار خواهد بود و اعضای طبقه سیاسی در مبارزه خود برای سلطه، به‌جز صاحبان سرمایه فرهنگی، رقیب دیگری ندارند (بوردیو، ۱۳۸۱: ۵۱-۴۸).

ایران نیز از جوامعی است که در آن به دلیل ماهیت دولت رانتیر، سرمایه اقتصادی از بازی بیرون و سرمایه سیاسی تعیین‌کننده است. در دولت رانتیر به جای مالیات، رانت، اصل عمده درآمدی دولت (چیزی بیش از ۴۲ درصد) را شکل می‌دهد. رانت با فرایند اقتصادی داخل کشور ارتباطی ندارد و تنها بخش اندکی از نیروی کار، درگیر تولید رانت و بقیه، دریافت‌کننده و توزیع‌کننده آن هستند. در این میان، دولت، اصلی‌ترین دریافت‌کننده رانت خارجی و توزیع‌کننده آن است. در این جوامع، رانت در کنترل نخبگان حاکم است و آن‌ها در راستای حفظ ثبات سیاسی دولت برای جلب همکاری و کنترل جامعه از آن بهره می‌گیرند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۵۴-۱۵۳). همین امر موجب شده است که در ایران (برخلاف کشورهای سرمایه‌داری که در آن‌ها سرمایه اقتصادی به سرمایه‌های دیگر تبدیل می‌شود) سرمایه سیاسی، قابلیت تبدیل به انواع سرمایه را به دست آورد و در این میان، نخبگان حاکم و نزدیکانشان به مزایای بیشتری دسترسی داشته باشند.

براین‌مبنا، مفهوم طبقه در ایران نیز مفهومی اقتصادی نیست، بلکه سیاسی است. منظور از طبقه مسلط نیز اقشاری از نیروهای حاکم هستند که شامل نخبگان عالی‌رتبه و مقامات نهادهای انحصاری قدرت می‌شوند؛ مجموعه‌ای که در چارچوب ایدئولوژی رسمی قرار گرفته و به منابع رانتی دسترسی دارند. این طبقه یکدست نیست. چنان‌که نیکوس پولانزاس نیز درباره طبقه مسلط در نظام سرمایه‌داری می‌گوید، گروه‌های مختلفی با منافع متکثر در این طبقه حضور دارند و دولت، عرصه منازعات طبقاتی است. در اینجا نیز با بلوک قدرت مرکب از طبقات و پاره‌طبقاتی روبه‌رو هستیم که تحت هژمونی یا استیلای بخشی از طبقه مسلط قرار دارد (بشیریه، ۱۳۸۳: ۲۶).

در واقع، طبقه سیاسی حاکم در ایران، لایه‌های مختلفی دارد که براساس دوری

و نزدیکی به هسته اصلی قدرت تعریف می‌شوند و طبقات بالا و پایین را می‌سازند. افزون‌براین، بورديو در تحليل خود می‌گوید، گاهی انتخاب اندیشه‌ها یا برنامه یا مرام‌ها به‌صورت شخصیت‌ها تجسم می‌یابند و اعتبار خود را از آنان می‌گیرند (بورديو، ۱۳۹۵: ۵۸۱)، اما در ایران، برخلاف سایر نظام‌های حزبی، اغلب شخصیت‌ها هستند که به برنامه‌ها یا مرام‌ها اعتبار می‌بخشند.

به‌ویژه تجربه رهبری انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده حضور شخصیت دارای جذبه‌ای بود که با جذبه و کاریزما از قدرت تحمیل خودانگاره خویش به‌منزله انگاره‌ای عینی به دیگران برخوردار بود. او یکی از تولیدکنندگان عقیده بود که جایگاهش را می‌ساخت و با دست‌کاری قدرت نمادینی که سازنده قدرتش بود، قادر به تولید و تحمیل عینیت‌بخشی خویش، همچون امری مطلق بود (بورديو، ۱۳۹۵: ۲۸۵)؛ بنابراین، در ایران یکی از سه شیوه تولید عقیده، همین شخصیت است که در مقطع موردبررسی، رهبر انقلاب، مهم‌ترین مصداق آن بود.

۴. روش پژوهش

روش به‌کاررفته در این مقاله، کیفی و تفسیری است که با استفاده از روش تحلیل مضمون در تجزیه و تحلیل داده‌ها پیش می‌رود. در روش تحلیل مضمون، از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای-بیرون‌داده‌ای، به یک سنخ‌شناسی دست می‌یابیم. این روش تحلیلی، عبارت از کدگذاری و تحلیل داده است، با این هدف که مشخص کنیم داده‌ها چه می‌گویند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۶). در اینجا در مرحله نخست، داده‌ها به‌صورت کدگذاری باز در قالب مفاهیم اولیه، و در مرحله بعد به‌شکل کدگذاری متمرکز از میان کدهای تعیین‌شده، مقوله‌های عمده، و مقوله‌های هسته‌ای، استخراج شدند؛ این داده‌ها در میدان قدرت، برگرفته از متن قانون اساسی و صحیفه امام هستند.

- ۴۵ سخنرانی از میان سخنرانی‌های صحیفه امام یا پیام‌های صادره ایشان طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۵۷، به‌صورت هدفمند انتخاب شد.

- در میدان سیاسی و انتخابات نیز ۴۵ متن از روزنامه «اطلاعات» و «کیهان» (۱۳۶۳-۱۳۵۷)، «میزان» (۱۶ شهریور ۱۳۵۹ تا ۱۷ خرداد ۱۳۶۰)، و «انقلاب اسلامی

(۲۹ خرداد ۱۳۵۸ تا ۱۷ خرداد ۱۳۶۰) به‌طور هدفمند انتخاب و بررسی شد.

- در مورد داده‌های مربوط به عملکرد مجلس نیز، به‌دلیل تعداد زیاد مصوبات، پرسش‌ها، و نطق‌های پیش از دستور، ۱۰ مصوبه، ۳ پرسش (پرسش از وزیر فرهنگ و ارشاد و دو پرسش از وزیر دادگستری)، و ۲۰ نطق پیش از دستور به‌طور هدفمند، انتخاب و بررسی شدند. ۱۰ قانون منتخب شامل تأسیس نهادهای جدید، ملی کردن صنایع، قانون تعیین نام مجلس، قانون اداره صداوسیما، قانون حل اختلاف مالی و حقوقی ایران و آمریکا، قانون ادغام بسیج در سپاه، عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر، قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی، اساسنامه سپاه، قانون مجازات اسلامی، قانون تشکیل شوراهای اسلامی، قانون دیوان محاسبات کشور، تأسیس وزارت اطلاعات، و قانون عملیات بانکی بدون ربا (روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴) بود. سه استیضاح (کل استیضاح‌های انجام‌شده در این دوره) نیز بررسی شدند.

واحد تحلیل مضمون نیز پاراگراف بود. سپس، با مقایسه میان مقوله‌های هسته‌ای در میدان قدرت، سیاست، انتخابات، و مجلس، رابطه میان فضای اجتماعی و عملکرد، تفسیر، و به‌نوعی تبیین شد. دلیل به‌کارگیری شیوه تحلیل مضمون برای بررسی فضای اجتماعی و کنش نمایندگان این بود که متون رسمی و غیررسمی، به‌مثابه فضای منازعات عاملان اجتماعی که مدت‌زمانی از آن گذشته است، بهترین مستند است، زیرا بخش زیادی از عملکرد سیاسی عاملان را عینیت می‌بخشد. درواقع، منازعات میان گروه‌ها بر سر حفظ و انباشت سرمایه که بخش عمده ساختار میدان‌های قدرت، سیاست، انتخابات، و مجلس را شکل می‌داد، در قالب منازعات کلامی و حول مضمون‌های به‌کاررفته توسط آنان واکاوی شد.

۵. فضای اجتماعی مجلس شورای اسلامی اول

انقلاب اسلامی، دگرگونی‌های شگرفی در فضای اجتماعی به‌وجود آورد و میدان قدرت را دگرگون کرد، اما نتوانست ماهیت دولت رانتیر در ایران را تغییر دهد و سرمایه سیاسی همچنان به‌عنوان اصل تمایزبخش فضای اجتماعی باقی ماند. باین‌حال، دگرگونی در میدان قدرت به شکل‌گیری میدان‌های جدید سیاست،

انتخابات، و مجلس انجامید و در قالب تغییر قواعد بازی، ساختار، و کارگزاران و شکل‌گیری باور رایج جدید در میدان، نمود یافت.

۶. میدان قدرت

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پس از انقلاب اسلامی، میدان قدرت حول دو اصل تعیین‌کننده سرمایه سیاسی و فرهنگی شکل گرفته است. وقوع انقلاب موجب شد که سرمایه نمادین، اهمیت چشمگیری بیابد؛ از این رو، ویژگی‌های انقلابی و مذهبی به مهم‌ترین معیارهای سرمایه نمادین تبدیل شدند و منازعه بر سر تبدیل انواع سرمایه به سرمایه نمادین شدت گرفت.

در ماه‌های نخست، عدم تعادل در میدان، به دلیل برهم خوردن توازن در سرمایه‌ها موجب شده بود که میدان قدرت میان چهار قطب انقلابیون مذهبی، انقلابیون غیرمذهبی، مذهبی‌های غیرانقلابی، و غیرمذهبی‌های غیرانقلابی تقسیم‌بندی شود. منازعات میان چهار قطب یادشده حول مقوله‌های فاهمه‌ای مانند انقلابی/ضدانقلابی، مذهبی/غیرمذهبی، ملی‌گرا/اسلام‌گرا، استضعاف/استکبار شکل گرفت که به هویت‌سازی‌هایی مانند انقلاب/ضدانقلاب، مکتبی/غیرمکتبی، سازشکار/رادیکال، فقیر/غنی، مستضعف/مستکبر شکل گرفت.

بازیگران فراوانی مانند حزب جمهوری اسلامی، نهضت آزادی، جبهه ملی، و لیبرال‌ها، چپ‌ها، و مجاهدین خلق حول چهار قطب یادشده، در میدان حضور داشتند. نزاع میان این بازیگران برای اعمال نفوذ در دولت در قالب نزاع میان نهادهای انقلابی با نهادهای دولتی میان حزب جمهوری اسلامی با دولت موقت و بعدتر در دوره ریاست‌جمهوری بنی‌صدر طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۵۷ در جریان بود. پیش از این نیز کشمکش بر سر شکل حکومت میان انقلابیون مذهبی با انقلابیون غیرمذهبی‌ای همچون چپ‌ها و میانه‌روهای مذهبی و غیرمذهبی مانند جبهه ملی و نهضت آزادی رخ داده بود. این منازعات در قالب مضمون‌هایی مانند شکل حکومت و اسلامی بودن یا نبودن آن درگرفت، اما مضمون طرح‌شده توسط قطب انقلابیون مذهبی، یعنی جمهوری اسلامی — که رهبر انقلاب آن را «تنها مسیر انقلاب» تعریف کرد (صحیفه امام، ج ۶: ۲۶۶-۲۶۵) — به اعتبار سرمایه نمادین

آیت‌الله خمینی اولویت یافت.

در این میان، شهروندان عادی نیز به انتخاب میان دو گزینه آری یا نه محدود شدند، مقدراتی که میدان برای آن‌ها فراهم کرده بود. درنهایت نیز جمهوری اسلامی برگزیده شد؛ بنابراین، طبقه مسلط با محدود کردن حوزه گفتمان قدرت به گفتمان انقلاب اسلامی و انتخاب جمهوری اسلامی و درنهایت، با تدوین قانون اساسی، به تحدید مرزهای حوزه‌ای پرداخت که می‌شد به لحاظ سیاسی به آن اندیشید و باور رایج را شکل داد.

قانون اساسی جدید، این وضعیت جدید را هنجارمند کرد. گفتمان عینیت‌یافته در قانون اساسی، زیر پوشش اینکه دولت چه باید باشد، درواقع به باور رایج درباره قدرت شکل داد. همان‌گونه که در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است...»؛ به این ترتیب، قانون اساسی اقدام به عام کردن گزاره‌های خاصی کرد که به صورت اصولی مسلم و کلی در نظر گرفته می‌شدند و درواقع، باور رایج به شمار می‌آمدند؛ چنان‌که تحلیل مضمون متن قانون اساسی نیز نشان می‌دهد (رجوع به جدول شماره ۱)، این شرایط، موجب بازتولید سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی و جایگاه والای روحانیت شد.

درواقع، تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ توسط مجلس خبرگان قانون اساسی که بیشتر اعضای آن روحانی بودند موجب شد که هنجارهایی تولید و به دستورالعمل بازی در میدان قدرت تبدیل شوند که منافع قطب انقلابیون مذهبی را تأمین و قطب‌های دیگر را حذف می‌کردند؛ چنان‌که میانه‌روهای غیرمذهبی‌ای مانند جبهه ملی و لیبرال‌ها در سال ۱۳۶۰، انقلابیون غیرمذهبی‌ای مانند چپ‌ها در سال ۱۳۶۲، مذهبی‌های غیرانقلابی یا میانه‌روی مانند نهضت آزادی در سال ۱۳۶۰، آیت‌الله شریعتمداری (با اعلام عدم صلاحیت مرجعیت) در سال ۱۳۶۲، و حتی روحانیون سنتی مخالف ورود مذهب به سیاست، طرد شدند.

تحلیل مضمون قانون اساسی و متون انتخابی صحیفه امام در مورد سه دسته مفاهیم اولیه، مقوله عمده، و مقوله هسته، نشان داد که باور رایج میدان قدرت، تولیدکننده و گسترش‌دهنده چه مضمون‌هایی بود (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱). یافته‌های تحلیل مضمون در میدان قدرت

باور رایج در میدان قدرت		
مفاهیم اولیه	مقوله عمده	مقوله هسته
نقد تجدد و انتقاد از غرب	تقدیس سنت	*ساخت قدرت ایدئولوژیک *نمود عینی ایدئولوژی انقلاب اسلامی *راهبرد انباشت سرمایه نمادین و حفظ قدرت طبقه حاکم از طریق ایجاد وضعیت جدید انقلابی و حفظ و تداوم آن
پوپولیسم، حمایت از فقرا و مستضعفان و نقد سرمایه‌داری، تمجید فقر و فقرا و تحقیر ثروت و ثروتمندان	تجهیز سنت و مشارکت توده‌ای	
حاکمیت روحانیت و مذهب، بازگشت به خویشن	احیای دینی	
پاکسازی، نهادسازی، نقد روشنفکران و نهادهای فرهنگی در قالب دانشگاه غیراسلامی، طرح نهادهای اسلامی و پیوند حوزه و دانشگاه و حمایت از نیروهای مذهبی	درون فرهنگ‌یابی	
اولویت الگوبرداری بومی و شرعی بر غربی‌بومی؛ استقلال‌گرایی؛ انسجام درونی؛ امت‌گرایی و ارتباط جهانی و فرامنطقه‌ای با امت اسلام و ملت‌ها به‌جای دولت‌ها؛ نقد ساختار نظام بین‌الملل، نهادهای بین‌المللی، و منطقه‌ای	نقد ساختار و نظم نظام بین‌الملل	

پس از تصویب قانون اساسی، هر گروه یا فردی که عادت‌واره‌ای ناساز با این باور رایج داشت، از بلوک قدرت دور می‌شد؛ به‌این ترتیب، نزدیکی و دوری به کانون قدرت و میزان تشابه یا تفاوت عادت‌واره با باور رایج، در توزیع قدرت نقش داشت و قدرت به‌نسبت نزدیکی و دوری از آن — که در رهبر انقلاب نمود عینی داشت — زیاد و کم می‌شد.

با آغاز جنگ ایران و عراق، خاصیت ایدئولوژیک قدرت افزایش یافت و استفاده از تقابل خیر و شر در قالب ایران و عراق، وجهی ایدئولوژیک یافت که در قالب مضمون‌های ایدئولوژیک مورد استفاده رهبر انقلاب، مانند تقابل جبهه اسلام با کفر، معنا شد. همین امر موجب شد که قدرت نهادهای انقلابی افزایش یابد و مرزبندی‌های میدان قدرت محدودتر شود.

در چنین قالبی بود که با حذف بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۶۰، طبقه حاکم به قطب انقلابیون مذهبی محدود شد. همچنین، دسترسی طبقه مسلط به منابع رانتی موجب شد که نزدیکان به کانون قدرت، بر مبنای نزدیکی خود، از این منابع بهره‌مند شوند. همین امر موجب شد که در میدان اقتصادی و فرهنگی نیز نزدیکی به طبقه حاکم، معیار بهره‌مندی از سود به‌شمار آید و موضع طبقه مسلط، در میدان‌های دیگر نیز تقویت شود. به‌عبارت دیگر، با غلبه عواملان میدان سیاست بر میدان قدرت، سرمایه سیاسی به سایر سرمایه‌ها تبدیل می‌شد.

۷. میدان سیاست

میدان سیاست پسانقلابی، به موازات میدان ایدئولوژیک و در راستای تحولات میدان قدرت شکل گرفت و مرزهای گسترده‌ای یافت. این میدان، طی تحولات سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۵۷ در اختیار چهار قطب میدان قدرت قرار گرفت (خواج‌سروی، ۱۳۸۲) و در این میان، تنها سلطنت‌طلب‌ها و مذهبی‌های غیرسیاسی و مخالف انقلاب بودند که از بازی در این میدان محروم شده بودند. به تدریج، تجمیع سرمایه‌های گوناگون حول ضدیت با شاه در این میدان، پایان یافت و منافع متضاد گروه‌ها در شرایط جدید، میدان سیاست را به محلی برای نزاع بر سر انواع ایده‌های سیاسی تبدیل کرد.

بررسی متن‌های برگزیده شده از صحیفه امام و روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، میزان، و انقلاب اسلامی، پس از انقلاب نشان می‌دهد، هرچند کانون‌های تولید ایدئولوژی، میان لیبرال‌ها، ملی‌گراها، سوسیالیست‌ها، و اسلام‌گراها تقسیم شده بود، اما برتری اسلام‌گرایان در قطب نخست حول آیت‌الله خمینی، این کانون تولید ایدئولوژی و عقیده را نیز در اولویت قرار داده بود.

درواقع، قطب نخست حول رهبر انقلاب شکل گرفته بود که ویژگی‌های شخصیتی‌اش موجب شده بود که مرام و برنامه او، نزد اغلب بازیگران اعتبار داشته باشد و کردار سیاسی‌اش تولید قدرت کند. گروهی از طبقه حاکم که نزدیک به آیت‌الله خمینی بودند، نظم نوینی را براساس وابستگی دو میدان مذهب و سیاست تعریف کرده بودند. همین امر به ایجاد سرمایه سیاسی جدیدی حول باور به ایدئولوژی انقلاب اسلامی و میزان تقید به آن انجامیده بود. بازتعریف اسلام و ایجاد پیوند بین دو میدان سیاست و مذهب نیز سبب خروج مذهبی‌های غیرسیاسی از میدان قدرت شد، زیرا آن‌ها عادت‌واره متفاوتی داشتند و بر استقلال دو میدان سیاست و مذهب تأکید می‌کردند؛ نگرشی که در نقطه مقابل دیدگاه رهبر انقلاب قرار داشت: «درعین حالی که فقیه هستید، جناح سیاست را رها نکنید». (خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۸۹).

به این ترتیب، میدان سیاست که منطقی مستقل از میدان مذهب داشت، به سیطره میدان مذهب درآمد. از این پس، درگیری بر سر بازتعریف مرزهای میدان سیاست و

مذهب، موجب منازعه جدی و مداوم میان کنشگران اجتماعی در ایران شد، زیرا میدان سیاست با منطق جداگانه‌ای که داشت، نیازمند رعایت سلسله‌مراتب خاص خود بود که با میدان مذهب همخوانی نداشت، اما این همبستگی میدان‌ها موجب شد که نزاع در میدان سیاست نیز ایدئولوژیک و نمادین شود.

تشکل‌های سیاسی-اسلامی‌ای مانند «حزب جمهوری اسلامی»، «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم»، «جامعه روحانیت مبارز»، «حزب مؤتلفه اسلامی»، و «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» حول شخصیت رهبر انقلاب، از طرفداران این امر بودند و از نزدیکی با رهبر انقلاب و حمایت از این باور، سرمایه اندوخته و اعتبار می‌یافتند (مرتجی، ۱۳۷۷: ۱۱).

لیبرال‌ها و هواداران سوسیالیسم (بشیریه، ۱۳۸۱: ۴۶-۳۹) نیز از تولیدکنندگان عقیده بودند که در قالب احزاب مختلفی در میدان حضور داشتند. ملی‌مذهبی‌ها و ملی‌گرایان (طرفداران لیبرالیسم) عادت‌واره متفاوتی با اسلام‌گرایان انقلابی داشتند و خواهان یک نظام سیاسی دموکراتیک بودند و به همین دلیل، به تدریج از بلوک قدرت دور شدند. آن‌ها در تبدیل سرمایه سیاسی خود به سرمایه نمادین انقلابی موفق نبودند، زیرا تشیع نوگرای نهضت آزادی با دیدگاه‌های آیت‌الله خمینی ناسازگار بود (میلانی، ۱۳۸۳: ۲۶۵). این ناسازگاری به تدریج و از سال ۱۳۵۸ موجب افول جایگاه ملی‌مذهبی‌ها شد و آنان را در موضع دگراندیشان جای داد.

درواقع، از ابتدای انقلاب تا نیمه دوم سال ۱۳۵۸، همراه با اشغال سفارت آمریکا و استعفای دولت موقت (آبان) و تصویب قانون اساسی (آذر)، به تدریج اسلام‌گرایان انقلابی چیرگی بیشتری بر میدان سیاست یافتند؛ روندی که در نهایت، در سال ۱۳۶۰ با برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری، به حذف نیروهای نهضت آزادی، جبهه ملی، و لیبرال‌ها، یعنی قطب میانه‌روهای مذهبی و میانه‌روهای غیرمذهبی، انجامید و در سال ۱۳۶۲ با حذف حزب توده، اسلام‌گرایان انقلابی، یعنی قطب نخست را به طبقه مسلط بر میدان تبدیل کرد. از این پس، میدان سیاست محدود به فضایی شد که گفتمان انقلاب اسلامی را تولید و بازتولید کند.

ولی میدان سیاست در آستانه انتخابات مجلس (۲۴ اسفند ۱۳۵۸) میان مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرا، ملی‌گرا، و لیبرال‌ها و سوسیالیست‌ها توزیع شده بود و

هریک از آن‌ها بنا به میزان سرمایه انقلابی و حجم کلی سرمایه انقلابی-مذهبی در میدان حضور داشتند و در پرسمان مشروع، مشارکت می‌کردند. در چنین شرایطی، انتخابات مجلس به فهرست مسائل مورد بحث در پرسمان مشروع تبدیل شد و بین گروه‌های مختلف موجود، منازعاتی بر سر آن رخ داد.

یافته‌های تحلیل مضمون متن‌های برگزیده شده از صحیفه امام، و روزنامه‌های اطلاعات، میزان، و انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که در میدان سیاست پس از انقلاب، پرسمان مشروع، پرسش‌های فراوانی را در مورد رویارویی با شرایط جدید مطرح کرد. در واقع، مسائل جدید که بیشتر به حکومت‌داری مربوط بودند، به مسائل دیگر موضوعیت می‌بخشیدند و منازعات گروه‌ها را حول آن‌ها شکل می‌دادند.

جدول شماره (۲). یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون متن‌های برگزیده میدان سیاست

پرسمان مشروع		
مقاله هسته	مقاله‌های عمده	مفاهیم اولیه
<p>* ایدئولوژیک شدن میدان سیاست؛</p> <p>* نزاع درون طبقه حاکم و میان مواضع ایدئولوژیک (اسلام‌گرایان انقلابی، ملی‌گرایان، لیبرال‌ها، و چپ‌ها) بر سر انباشت و توزیع سرمایه؛</p> <p>* سیاست اسلام‌گرایی انقلابی که حول تعریف گسترده از انقلاب و اسلام شکل گرفته بود؛</p> <p>بنابراین، انقلاب، حول اسلامی بودن به دگرگونی وضعیت موجود و ایجاد وضعیت بدیل بر مبنای ایدئولوژی انقلاب اسلامی تعریف می‌شد. این گروه، نزدیکان به کانون قدرت ایدئولوژیک و ایدئولوگ آن بودند.</p> <p>* سیاست اصلاحی، مصلحت‌جویانه، و میانه‌رو که بر تغییر تدریجی وضعیت موجود و پرهیز از تندروی، تأکید و به مواضع لیبرال و ملی‌گرا تعلق داشت.</p>	<p>نزاع بر سر ترسیم مرزهای میدان سیاست با تعریف حقوق مردم، مذهب (گسترده یا محدود) و مداخله آن در سیاست، و تعریف از انقلاب (پایان انقلاب یا تداوم آن)</p>	<p>رفراندوم، شوراها، حقوق اقلیت‌ها و قومیت‌ها و نوع حکومت (حقوق و جایگاه مردم)</p>
		<p>نوع حکومت، حضور و جایگاه روحانیت و شرعی کردن امور</p>
		<p>مجلس خبرگان یا مؤسسان، فرایند تدوین و ماهیت قانون اساسی، امنیت و ثبات کشور، فرایند گزینش نیروها، اختیارات رئیس‌جمهور، انتخابات و جنگ، آزادی، اختیارات نهادهای دولتی و انقلابی، ملی کردن، صدور و تداوم انقلاب، رابطه با کشورها و مجامع بین‌المللی، اصلاحات ارضی، پاکسازی و نهادسازی (سبک و سازوکار مدیریت و اداره کشور)</p>

۸. میدان انتخابات

میدان انتخابات به میدان قدرت و سیاست وابسته بود و این میدان‌ها نیز تعادل خود را باز نیافته بودند و سرمایه‌های نوین و تثبیت‌نشده‌ای در آن‌ها وجود داشت؛ همین امر موجب تعدد دسته‌بندی‌ها در میدان انتخابات و حضور گروه‌هایی با سلیقه‌های متفاوت شد (زارعی و فوزی، ۱۳۹۶: ۵۲-۵۱).

در این میان، اسلام‌گرایان انقلابی کوشیدند سرمایه نمادین کسب‌شده در میدان‌های قدرت و سیاست را در میدان انتخابات هزینه کنند. برجسته‌ترین نمود این منازعه عینی نیز گنجاندن قوانینی در قانون انتخابات بود که بر سازوکار ورود نامزدها به میدان رقابت تأثیر گذاشت و به تشدید منازعات به‌ویژه تشدید منازعه بر سر جایگاه شورای انقلاب (برای نمونه، بنگرید به: سائلی کرده‌ده، ۱۳۷۸: ۱۳۰ و ۱۳۳) — انجامید.

درواقع، پرسمان مشروع مربوط به انتخابات با تولید پرسش‌ها و پاسخ‌های فراوانی توسط گروه‌های مختلف روبه‌رو شد که البته جایگاه اسلام‌گرایان انقلابی موجب برتری موضع و در نتیجه، پاسخ‌های آنان شد، زیرا به‌غیر از منطقه‌ای شدن انتخابات، سایر موارد از جمله اکثریت مطلق، شرایط داوطلبان، و امضای ۲۰ معتمد محلی، به تصویب شورای انقلاب رسید (خواجسته‌سروی، ۱۳۸۲: ۲۷۴). این روش عینی نزاع با گروه‌های رقیب و انباشت سرمایه بود. افزون‌براین، آن‌ها با شیوه ذهنی نیز به تلقین و القای نامزد مطلوب خود پرداختند. رهبر انقلاب در این فرایند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد و با به‌کارگیری سرمایه نمادین مذهبی و انقلابی، وزنه اسلام‌گرایان «وفادار» به «اسلام عزیز» و «بری از تمایلات چپ و راست» را سنگین‌تر کرد (خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۶: ج ۱۲، ۱۷۸).

جدول شماره (۳). یافته‌های تحلیل مضمون متون برگزیده میدان انتخابات

پرسمان مشروع		
مفاهیم اولیه	مقوله عمده	مقوله هسته
نحوه مشارکت، ویژگی نامزدها، جایگاه شورای انقلاب، منطقه‌ای شدن انتخابات، معیار اکثریت مطلق، شرایط داوطلبان، نقش روحانیت، معتمدان محلی	تعریف انتخابات و قواعد رقابت (ترسیم مرز میدان)	* ایدئولوژیک شدن میدان انتخابات؛ * نزاع درون طبقه حاکم و میان مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با سایر گروه‌ها بر سر انباشت و توزیع سرمایه؛ * راهبردهای انتخاباتی:
ائتلاف یا انحصار	سازوکار رقابت انتخاباتی (تجمیع سرمایه)	۱. سیاست‌های اسلام‌گرای انقلابی: انباشت سرمایه از طریق حفظ وضع موجود انقلابی و تداوم آن تا ایجاد حکومت اسلامی (وضع مطلوب)؛ ۲. سیاست‌های اصلاحی و میانه‌رو: تغییر وضع موجود انقلابی به عادی (نرمالیزاسیون).
انتظارات از مجلس آینده، حل مسئله گروهان‌های آمریکایی، اسلامی کردن قوانین، حل مسائل اقتصادی، نهادسازی	اولویت‌بندی موضوعات (نگرش سیاسی)	

به این ترتیب، هرچند هر گروه و تشکیلی با تلقین عادت‌واره خاصی به طرفداران

خود، آن‌ها را به انتخاب گزینه‌های ویژه‌ای ترغیب می‌کردند، جایگاه برجسته رهبر انقلاب باعث شد که اغلب مردم به اسلام‌گرایان تمایل پیدا کنند و انتخابات با پیروزی ۹۷ درصدی اسلام‌گرایان طرفدار آیت‌الله خمینی پایان یابد (روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۱: ۲۵-۲۲).

بنابراین، در این میدان نیز سلطه نمادین اسلام‌گرایان به توزیع آمرانه و نابرابر سرمایه نمادین انجامید و برتری اسلام‌گرایان را رقم زد. در واقع، سرمایه نمادین اسلام‌گرایان به سرمایه مادی تبدیل شد و به کسب کرسی‌های نمایندگی (سرمایه سیاسی مادی شده) انجامید و آن‌ها توانستند در این میدان نیز بر صدر بنشینند و به طبقه حاکم تبدیل شوند.

۹. میدان مجلس

در میدان مجلس نیز سرمایه نمادین (مذهبی و انقلابی) معیار برتری قرار گرفت، زیرا برای حضور در میدان قدرت و رسیدن به جایگاه برتر، سرمایه‌ای لازم و ضروری بود؛ هرچند به لحاظ مدارک تحصیلی، سرمایه حوزوی نمایندگان از سرمایه دانشگاهی، کمتر بود (اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۱۳۷۸: ۳۵۸-۲۶۵). به دلیل چیرگی سرمایه نمادین مذهبی بر میدان قدرت، اسلام‌گرایان توانستند در مجلس نیز موقعیت برتری کسب کنند. این امر با توجه به جایگاه روحانیت در هیئت‌رئیس، به‌عنوان رئیس و نایبان رئیس، نمایان است.

همچنین، با توجه به جوان بودن اکثر نمایندگان مجلس اول^(۱) و فقدان تجربه نهادی، منازعه جدی‌ای برای کسب سرمایه بیه‌ویژه سرمایه قانونی و نهادی—رخ داد (اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۱۳۷۸: ۴۰ و ۷۰). این منازعه، جریان پویا و پرکشمکشی را به وجود آورد که تلاش برای کسب جایگاه ارشدیت در فرایند تعیین رئیس مجلس و ریاست هاشمی رفسنجانی از اسلام‌گرایان، برجسته‌ترین نمود آن بود و به نخستین موضع مجلس شکل داد؛ البته تقابل اصلی در این میدان، تقابل نمایندگان انقلابی با نمایندگان میانه‌رو بود.

جدول شماره (۴). یافته‌های تحلیل مضمون متن‌های برگزیده میدان مجلس

پرسمان مشروع			
مفاهیم اولیه	مقوله‌های عمده	مقوله هسته	کل عملکرد مجلس
تأسیس نهادهای دولتی و مدنی جدید	نهادسازی و هنجارسازی‌های جدید (تأسیسی)	* انباشت سرمایه انقلابی و مذهبی؛ * تبدیل سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی به سرمایه سیاسی نهادی قانون؛ * تداوم جایگاه اسلام‌گرایان انقلابی.	* ایدئولوژیک شدن میدان مجلس و غلبه سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی؛ * تبدیل سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی به سرمایه سیاسی نهادی قانون؛ * انباشت سرمایه برای حفظ جایگاه خود از طریق تداوم وضعیت انقلابی؛ * تداوم جایگاه اسلام‌گرایان انقلابی؛ * تقابل مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.
	تقدیس مذهب	* تقابل مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* تبدیل سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی به سرمایه سیاسی نهادی قانون؛ * انباشت سرمایه برای حفظ جایگاه خود از طریق تداوم وضعیت انقلابی؛ * تداوم جایگاه اسلام‌گرایان انقلابی؛ * تقابل مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * شکل‌گیری تقابل میان مواضع اسلام‌گرایان انقلابی (نزاع میان طبقه حاکم به نسبت دوری و نزدیکی با رهبر انقلاب)؛ * نزاع بر سر تبدیل سرمایه نمادین به سرمایه اقتصادی و اجتماعی؛ * تفاوت در اولویت‌بندی‌های مقوله‌های عینی؛ راهبردهای متفاوت: ۱. از طریق شرعی‌سازی و تقدیس مذهب و انقلابی‌گری درصدد انباشت سرمایه و حفظ وضعیت موجود انقلابی و
	جمع‌گرایی	* تقابل مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* تبدیل سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی به سرمایه سیاسی نهادی قانون؛ * انباشت سرمایه برای حفظ جایگاه خود از طریق تداوم وضعیت انقلابی؛ * تداوم جایگاه اسلام‌گرایان انقلابی؛ * تقابل مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * شکل‌گیری تقابل میان مواضع اسلام‌گرایان انقلابی (نزاع میان طبقه حاکم به نسبت دوری و نزدیکی با رهبر انقلاب)؛ * نزاع بر سر تبدیل سرمایه نمادین به سرمایه اقتصادی و اجتماعی؛ * تفاوت در اولویت‌بندی‌های مقوله‌های عینی؛ راهبردهای متفاوت: ۱. از طریق شرعی‌سازی و تقدیس مذهب و انقلابی‌گری درصدد انباشت سرمایه و حفظ وضعیت موجود انقلابی و
	انقلابی‌گری	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* تبدیل سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی به سرمایه سیاسی نهادی قانون؛ * انباشت سرمایه برای حفظ جایگاه خود از طریق تداوم وضعیت انقلابی؛ * تداوم جایگاه اسلام‌گرایان انقلابی؛ * تقابل مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * شکل‌گیری تقابل میان مواضع اسلام‌گرایان انقلابی (نزاع میان طبقه حاکم به نسبت دوری و نزدیکی با رهبر انقلاب)؛ * نزاع بر سر تبدیل سرمایه نمادین به سرمایه اقتصادی و اجتماعی؛ * تفاوت در اولویت‌بندی‌های مقوله‌های عینی؛ راهبردهای متفاوت: ۱. از طریق شرعی‌سازی و تقدیس مذهب و انقلابی‌گری درصدد انباشت سرمایه و حفظ وضعیت موجود انقلابی و
در پرسش‌ها: اختیارات نهادهای دولتی و انقلابی؛ نوع رویارویی با غرب	منازعه میان سبک‌های مختلف مدیریت و اداره کشور	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.
	تقدیس مذهب هنجارسازی‌های جدید	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.
	تقدیس مذهب؛ هنجارسازی‌های جدید و تنظیم روابط	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.
در رأی اعتماد: چگونگی گزینش نخست‌وزیر؛ ویژگی‌های مطلوب کاندیدای نخست‌وزیری و وزرا (تعهد یا تخصص)؛ اختیارات رئیس‌جمهور؛ حوزه صلاحیت مجلس در نظارت بر مجریه و رابطه مجلس با مجریه؛ جایگاه مجلس	تقدیس مذهب؛ هنجارسازی‌های جدید و تنظیم روابط	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.
	تقدیس مذهب؛ هنجارسازی‌های جدید و تنظیم روابط	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.
در استیضاح: نحوه استیضاح کردن؛ جایگاه مجلس؛ نحوه اجرای قوانین؛ شیوه برگزیدن مسئولان؛ اختیارات شهرداری و رویارویی با شرایط و معضلات حکومتداری مانند مسکن، جنگ، و... براساس نزدیکی یا دوری به ولایت فقیه	هنجارسازی‌های جدید و تنظیم روابط سبک‌های متفاوت در سیاست مذهبی و تفاوت در شیوه مدیریت و اداره کشور	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.
	انقلابی‌گری؛ اولویت‌بندی مقوله‌های عینی‌ای چون جنگ و تقابل با غرب	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.
نامه‌ها و بیانیه‌ها؛ مقابله با غرب (آمریکا، اسرائیل یا فرانسه) یا دولت‌های منطقه و به‌ویژه دولت عراق و پرداختن به جنگ	انقلابی‌گری؛ اولویت‌بندی مقوله‌های عینی‌ای چون جنگ و تقابل با غرب	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.	* انباشت سرمایه ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * انباشت سرمایه ایدئولوژیک انقلابیون مذهبی.

<p>در نتیجه، تداوم جایگاه خویش به عنوان طبقه حاکم اسلام‌گرای انقلابی؛</p> <p>۲. از طریق نقد وضعیت موجود و نگرشی مصلحت‌جویانه در راستای تغییر وضع موجود انقلابی به وضعیت عادی و نرمالیزاسیون.</p>	<p>نزدیکی با رهبر انقلاب؛</p> <p>* نزاع بر سر تبدیل سرمایه نمادین به سرمایه اقتصادی و اجتماعی؛</p> <p>* تفاوت در اولویت‌بندی‌های مقوله‌های عینی؛</p> <p>* تقابل میان مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها؛</p>	<p>هنجارسازی و تنظیم روابط؛ تقابل میان نهادهای انتصابی و انتخابی</p>	<p>در بیانیه‌ها: رابطه نزدیک با رهبری یا نهادهای حکومتی انتصابی مانند شورای نگهبان یا قوه قضائیه و اعتراض به رئیس‌جمهور (نهاد انتخابی) در زمان بنی‌صدر</p>	
	<p>* راهبردهای متفاوت: ۱. از طریق شرعی‌سازی و تقدیس مذهب و انقلابی‌گری درصد انباشت سرمایه و حفظ وضعیت موجود انقلابی و در نتیجه، تداوم جایگاه خویش به عنوان طبقه حاکم اسلام‌گرای انقلابی؛</p> <p>۲. از طریق نقد وضعیت موجود در راستای تغییر وضع موجود انقلابی به وضعیت عادی و نرمالیزاسیون</p>	<p>نزاع بر سر توزیع منافع و جلب حمایت مردمی</p>	<p>اعتراض به عملکرد بخشی از طبقه حاکم همچون واگذاری غیرقانونی زمین به عده‌ای از مردم توسط حاکم شرع سابق شهرداری و پرداختن به جنگ.</p>	
	<p>۱. از طریق شرعی‌سازی و تقدیس مذهب و انقلابی‌گری درصد انباشت سرمایه و حفظ وضعیت موجود انقلابی و در نتیجه، تداوم جایگاه خویش به عنوان طبقه حاکم اسلام‌گرای انقلابی؛</p> <p>۲. از طریق نقد وضعیت موجود در راستای تغییر وضع موجود انقلابی به وضعیت عادی و نرمالیزاسیون</p>	<p>شرعی‌سازی و تقدیس مذهب</p>	<p>در نطق پیش از دستور: اسلامی کردن پوشش، مکتبی بودن انقلاب و مجلس، اهمیت پاکسازی و تطبیق کارمندان با موازین اسلامی، ایجاد نهادهای جدید همچون تشکیل وزارت امر به معروف و نهی از منکر و معرفی وزیر آن</p>	<p>در نطق پیش از دستور: اسلامی کردن پوشش، مکتبی بودن انقلاب و مجلس، اهمیت پاکسازی و تطبیق کارمندان با موازین اسلامی، ایجاد نهادهای جدید همچون تشکیل وزارت امر به معروف و نهی از منکر و معرفی وزیر آن</p>
		<p>انقلابی‌گری</p>	<p>اولویت مکتبی، انقلابی و متعهد بودن بر متخصص بودن در انتخاب رئیس‌جمهور، نخست ر و کابینه، صدور انقلاب، مقابله با سازمان مجاهدی خلق و فداییان خلق؛ حمایت از ستم‌دیدگان جهان، خروج از انزوای تحمیلی ابرقدرت‌ها به ایران؛ استثمارستیزی و همکاری سیاسی و ایدئولوژیک جهت مبارزه علیه ابرقدرت‌ها</p>	<p>اولویت مکتبی، انقلابی و متعهد بودن بر متخصص بودن در انتخاب رئیس‌جمهور، نخست ر و کابینه، صدور انقلاب، مقابله با سازمان مجاهدی خلق و فداییان خلق؛ حمایت از ستم‌دیدگان جهان، خروج از انزوای تحمیلی ابرقدرت‌ها به ایران؛ استثمارستیزی و همکاری سیاسی و ایدئولوژیک جهت مبارزه علیه ابرقدرت‌ها</p>
		<p>ملی‌گرایانه-میانه‌رو</p>	<p>نگرانی از بحران‌های داخلی و خارجی کشور؛ بی‌نظمی؛ جنگ با عراق و پیامدهای آن؛ کم‌اطلاعی دولتمردان در مورد اصول درست مملکت‌داری؛ نفوذ نظریه‌های گروه‌های افراطی در تصمیم‌های اجرایی دولت؛ ضرورت برگزاری انتخابات آزاد؛ انتقاد از فقدان امنیت اجتماعی؛ روند پاکسازی و مصادره اموال مردم، اهمیت مبارزه با امپریالیسم سوسیالیسم شرقی همچون مبارزه با امپریالیسم غربی.</p>	<p>نگرانی از بحران‌های داخلی و خارجی کشور؛ بی‌نظمی؛ جنگ با عراق و پیامدهای آن؛ کم‌اطلاعی دولتمردان در مورد اصول درست مملکت‌داری؛ نفوذ نظریه‌های گروه‌های افراطی در تصمیم‌های اجرایی دولت؛ ضرورت برگزاری انتخابات آزاد؛ انتقاد از فقدان امنیت اجتماعی؛ روند پاکسازی و مصادره اموال مردم، اهمیت مبارزه با امپریالیسم سوسیالیسم شرقی همچون مبارزه با امپریالیسم غربی.</p>

۹. تحلیل یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های چهار میدان قدرت، سیاست، انتخابات، و مجلس را بررسی کرده‌ایم. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که فضای اجتماعی و عملکرد مجلس اول، یکدیگر را تولید و بازتولید کرده‌اند و رابطه متقابلی میان آنان وجود دارد. جدول شماره (۵) به خوبی نشان می‌دهد که چگونه سلطه اسلام‌گرایان انقلابی موجب شد

که عملکرد مجلس اول بر مبنای موضع برتر آنان در پرسیان مشروع میدان‌های سیاست، انتخابات، و مجلس شکل بگیرد و سرمایه نمادین آنان به سرمایه قانونی تبدیل شود. افزون‌براین، نزاع مواضع ایدئولوژیک در میدان عملکرد مجلس نمود عینی یافت و همین منازعات نیز میدان قدرت را بازتولید کردند.

جدول شماره (۵). تحلیل یافته‌ها

میدان قدرت	میدان سیاسی	میدان انتخابات	میدان مجلس	تحلیل یافته‌ها
* ساخت قدرت ایدئولوژیک؛ * نمود عینی ایدئولوژی انقلاب اسلامی	* ایدئولوژیک شدن میدان سیاسی و غلبه سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی؛ * نزاع درون طبقه حاکم و میان مواضع ایدئولوژیک (اسلام‌گرایان انقلابی، ملی‌گرایان، لیبرال‌ها، و چپ‌ها) بر سر انباشت و توزیع سرمایه.	* ایدئولوژیک شدن میدان انتخابات و غلبه سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی؛ * نزاع درون طبقه حاکم و میان مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با سایر گروه‌ها بر سر انباشت و توزیع سرمایه	* ایدئولوژیک شدن میدان مجلس و غلبه سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی؛ * تبدیل سرمایه نمادین انقلابی و مذهبی به سرمایه سیاسی نهادی قانون؛ * انباشت سرمایه برای حفظ جایگاه خود از طریق تداوم وضعیت انقلابی؛ * تداوم جایگاه اسلام‌گرایان انقلابی؛ * تقابل مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان انقلابی با میانه‌روها (نزاع میان طبقه حاکم)؛ * شکل‌گیری تقابل میان مواضع اسلام‌گرایان انقلابی (نزاع میان طبقه حاکم به نسبت دوری و نزدیکی به رهبر انقلاب)؛ * نزاع بر سر تبدیل سرمایه نمادین به سرمایه اقتصادی و اجتماعی؛ * تفاوت در اولویت‌بندی مقوله‌های عینی	* غلبه راهبرد جایگزینی وضعیت مطلوب مورد نظر اسلام‌گرایان انقلابی به جای وضع موجود؛ * انباشت سرمایه سیاسی نهادی اسلام‌گرایان انقلابی از طریق عملکرد میدان مجلس؛ * بازتولید فضای انقلابی و تثبیت و تداوم طبقه حاکم اسلام‌گرای انقلابی؛ * حذف مواضع ایدئولوژیک ملی‌گرا، لیبرال، و چپ‌ها و تبدیل آن‌ها به طبقه غیرحاکم و دگراندیش؛ * بازتولید میدان قدرت ایدئولوژیک از طریق عملکرد میدان مجلس.
* راهبرد انباشت سرمایه نمادین و حفظ قدرت طبقه حاکم از طریق ایجاد وضعیت و جدید انقلابی و حفظ و تداوم آن.	* سیاست اسلام‌گرایی انقلابی؛ ۲. سیاست اصلاحی و میانه.	* راهبردهای انتخاباتی ۱. سیاست‌های اسلام‌گرای انقلابی؛ ۲. سیاست‌های اصلاحی و میانه‌رو.	راهبردهای متفاوت قانون‌گذاری، نظارتی، و شبه‌نظارتی؛ ۱. از طریق شرعی‌سازی و تقدیس مذهب و انقلابی‌گری؛ ۲. از طریق نقد وضعیت موجود و نرمالیزاسیون.	الگوی سوم ملی‌گرایی مصلحت‌جویانه که بر مبنای مصلحت کشور روندی تدریجی در تغییرات را پی می‌گیرد و میل به عادی‌سازی شرایط دارد (تعبیر شرایط انقلابی به شرایط عادی).

نسبت فضای اجتماعی با عملکرد نخستین دوره مجلس (۱۳۶۳-۱۳۵۹)

نتیجه‌گیری

این مقاله در پی پاسخ به چستی نسبت میان فضای اجتماعی و عملکرد نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، با رویکردی تفسیری و با استفاده از تحلیل مضمون در تجزیه و تحلیل داده‌ها، به یافته‌هایی در مورد فضای اجتماعی و عملکرد مجلس اول دست یافت. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که فضای اجتماعی از طریق تمایزگذاری‌های سلطه‌گرانه در میدان‌های قدرت، سیاست، انتخابات، و مجلس، کنش معطوف به سلطه را شکل داده است؛ افزون‌براین، عملکرد مجلس نیز موجب بازتولید فضای اجتماعی انقلابی و تمایزگذاری‌هایی شد که به تقویت طبقه مسلط انجامید. در واقع، میان فضای اجتماعی و عملکرد مجلس اول، رابطه متقابل وجود دارد.

همچنین، دریافتیم که باور رایج در حوزه قدرت و دولت تولید شده و در حوزه سیاست، انتخابات، و مجلس به غلبه یکی از کانون‌های تولید عقیده و شریک در پرسمان مشروع می‌انجامد؛ چیزی که بر مبنای میزان شباهت ایده‌های طرح شده با باور رایج، تعیین‌کننده جایگاه مواضع ایدئولوژیک در میدان‌های سیاست، انتخابات، و مجلس به نسبت دوری و نزدیکی با باور رایج است.

تحلیل یافته‌های این مقاله نشان داد که ایدئولوژی انقلاب اسلامی چگونه به پرسمان مشروع شکل داد و کانون‌های تولید عقیده، به‌ویژه اسلام‌گرایی انقلابی و میانه‌روهای مصلحت‌جوی اصلاح‌گر را در مقابل یکدیگر قرار داد. در واقع، به دلیل تشابه ایده اسلام‌گرایی انقلابی با باور رایج و فاصله نزدیک طرفداران آن با کانون قدرت، قطب انقلابیون مذهبی بر قطب‌های دیگر سلطه یافت و طبقه حاکم را شکل داد. در واقع، همان‌گونه که بوردیو می‌گوید، گروهی که با این عقیده سیاسی و توانایی نمادین آن بسیج شدند (چون پرتعدادتر و قدرتمندتر بودند) بر قدرت تحقق این ایده افزودند.

همچنین، بررسی‌ها نشان داد که بیشتر پرسش‌های مطرح‌شده در میدان‌های سیاست، انتخابات، و مجلس توسط طبقه حاکم شکل می‌گرفتند و پاسخ‌ها به نسبت نزدیکی و دوری با کانون قدرت، تأیید یا رد می‌شدند.

گروه اسلام‌گرایان انقلابی به‌عنوان طبقه حاکم، راهبردی را در میدان‌های سیاست، انتخابات، و مجلس برگزیدند که موجب بازتولید ایدئولوژی انقلاب

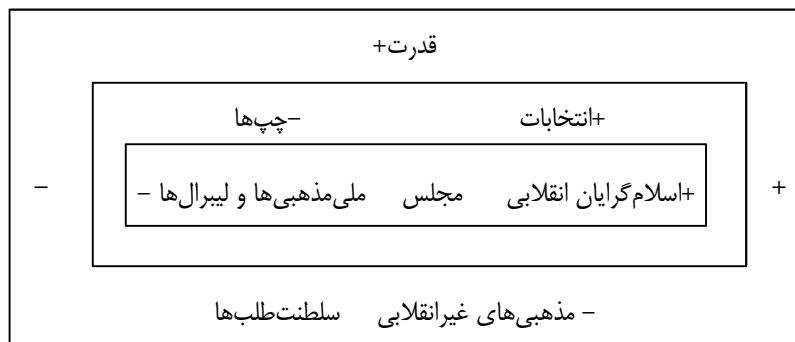
اسلامی می‌شد و میدان قدرتی را شکل می‌داد که جایگاه آنان را به‌عنوان طبقه حاکم حفظ می‌کرد؛ بنابراین، این گروه رابطه دوسویه‌ای با کانون قدرت داشت.

در این میان، هر گروهی که به کانون قدرت نزدیک‌تر بود، بر مبنای خلق و خوی طبقاتی‌اش (نزدیکی یا دوری به قدرت) در راستای حفظ وضع موجود، ایده‌هایی را تولید می‌کرد. گروه‌های رقیب انقلابیون مذهبی، هرچه از ایدئولوژی انقلاب اسلامی فاصله گرفتند، از کانون قدرت نیز دورتر شدند و این فاصله موجب شد که از میدان قدرت طرد شوند و به‌عنوان طبقه غیرحاکم در معرض روابط یک‌سویه و سلطه‌جویانه‌ای از سوی قدرت قرار گیرند.

روی هم رفته، موضع‌گیری‌های مجلس اول در چارچوب سه عملکرد تقنینی، نظارتی، و شبه‌نظارتی ناشی از نسبت نزدیک اکثریت نمایندگان با قدرت قرار داشت که الگوی کنش انقلابی و مذهبی‌شان در راستای ایجاد تمایز بین خودشان و طبقه غیرانقلابی (غیرحاکم) و همچنین، این دوره مجلس با مجالس عصر پهلوی بود. عملکرد میدان مجلس نیز با بازتولید ایدئولوژی انقلاب اسلامی و الگوهای کنشی اسلامی، انقلابی، و ملی‌گرای مصلحت‌جویانه، منازعات میدان قدرت، سیاست، و انتخابات را بازتولید کرد؛ روندی که با تمایزگذاری سلطه‌جویانه، موجب حذف رقبای اسلام‌گرایان انقلابی شد؛ بنابراین، میان عملکرد مجلس با فضای اجتماعی، رابطه متقابل وجود داشت.

افزون‌براین، تحلیل داده‌های گردآوری شده نشان داد که اسلام‌گرایان چگونه انقلاب، انقلابی بودن، اسلام، اسلامی بودن را تعریف کردند تا مرزهای میدان قدرت و در نتیجه میدان‌های سیاست، انتخابات و مجلس را محدود کنند. بدین صورت گرچه در ابتدای انقلاب و به ویژه در هنگام انتخابات مجلس اول، فضای سیاسی تا حدودی با فضای اجتماعی تقارن دارد اما به تدریج سیر تمایزگذاری‌های سلطه‌جویانه به گونه‌ای پیش رفت که تحولات اجتماعی با تحولات سیاسی نامتقارن شد و فضای سیاسی رو به انسداد گذاشت.

شکل شماره (۲). فضای اجتماعی مجلس اول



+ نشانه نزدیکی به قدرت - نشانه دوری از قدرت

یادداشت‌ها

۱. میانگین سنی نمایندگان دوره اول مجلس، کمتر از ۴۱ سال و فراوانی سن آنها بین ۳۰ تا ۴۵ سال بود. شش نفر از حداقل سن، یعنی ۲۵ سال و دو نفر بیش از ۷۰ سال سن داشتند.

منابع

- اداره کل فرهنگي و روابط عمومي مجلس (۱۳۷۸)، معرفي نمايندگان مجلس شوراي اسلامي از آغاز انقلاب تا دوره پنجم قانون گذاري، تهران: انتشارت مجلس.
- خميني، روح... (۱۳۸۶)، لوح فشرده صحيفه امام (جلدهای متعدد)، تهران: مرکز نشر و تنظيم آثار امام خميني.
- اولسون، ديويد (۱۳۸۲)، نهادهاي مردم سالار قانون گذاري؛ ديدگاهي مقايسه‌اي، ترجمه علي رضا طيب، تهران: مرکز پژوهش‌هاي مجلس شوراي اسلامي.
- بورديو، پير (۱۳۸۰)، نظريه کنش: دلایل عملي و انتخاب عقلاني، ترجمه مرتضي مرديهي، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بورديو، پير (۱۳۹۳)، تمايز: نقد اجتماعي قضاوت‌هاي ذوقي، ترجمه حسن چاوشيان، تهران: ثالث.
- بشيريه، حسين (۱۳۸۷)، دياچهي بر جامعه شناسي سياسي ايران؛ دوره جمهوري اسلامي، تهران: مؤسسه پژوهشي نگاه معاصر.
- حاجي يوسفی، اميرمحمد (۱۳۷۶)، «رانت، دولت رانتير، و رانتيريسم؛ يک بررسي مفهومي»، اطلاعات سياسي اقتصادي، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶.
- خواججه سروي، غلامرضا (۱۳۸۲)، رقابت سياسي و ثبات سياسي در جمهوري اسلامي ايران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامي.
- _____ (۱۳۷۴)، «تعارضات جناح‌هاي سياسي دوره اول مجلس شوراي اسلامي (۱۳۶۳-۱۳۵۹)»، فصلنامه پژوهشي امام صادق، سال اول، شماره ۱.
- رشيدی، علی (۱۳۷۱)، «تحولات اقتصادي در دوره پس از انقلاب»، اطلاعات سياسي اقتصادي، شماره ۶۶-۶۵.
- روابط عمومي مجلس شوراي اسلامي (۱۳۶۵)، فهرست موضوعي دستورجلسات مذاکرات مجلس شوراي اسلامي دوره اول، تهران: روابط عمومي مجلس شوراي اسلامي (اداره تبليغات و انتشارات).
- _____ (۱۳۶۱)، آشنائي با مجلس شوراي اسلامي، به ضميمه کارنامه اول مجلس شوای اسلامي، ج ۲، تهران: روابط عمومي مجلس شوراي اسلامي.
- روزنامه‌هاي کيهان، اطلاعات، ميزان، انقلاب اسلامي شمارگان متعدد.
- زارعی، علی؛ فوزی، يحيی (۱۳۹۶)، «تحليل بافت سياسي، اجتماعي، و تخصصي نمايندگان

مجلس شورای اسلامی؛ ادوار اول تا پنجم»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه مطالعات انسانی و فرهنگی، سال هشتم، شماره اول.

زمانی، هادی (۲۰۰۴)، «دموکراسی و توسعه اقتصادی پایدار ایران»، در دسترس در:

<http://www.hadizamani.com>

زمانی، سمیه (۱۳۸۸)، «بررسی نقش و عملکرد سومین دوره مجلس در فرایند گذار به سازندگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

سایلی کرده، مجید (۱۳۷۸)، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سینایی، وحید؛ زمانی، سمیه (۱۳۹۰)، مجلس و سیاست‌گذاری در ایران، تهران: میزان.

سرزعی، علی (۱۳۹۵)، پوپولیسم ایرانی (تحلیل کیفیت حکمرانی محمود احمدی‌نژاد از منظر اقتصاد و ارتباطات سیاسی)، با مقدمه محسن رنایی، تهران: کرگدن.

شادلو، عباس (۱۳۸۱)، تکنرگرای در جریان اسلامی؛ ناگفته‌های تاریخی از علل پیدایش جریان راست و چپ مذهبی (۱۳۸۰-۱۳۶۰)، تهران: نشر وزرا.

شویره، کریستین؛ فونتن، اولیویه (۱۳۸۵)، واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.

صباغیان، هاشم (۱۳۹۵)، «گفت‌وگو با فهیمه نظری» هاشمی گفت به نهضت آزادی ظلم کردیم»، بازیابی شده در تاریخ دوم بهمن ۱۳۹۵، در دسترس در:

<http://tarikhirani.ir/fa/files/107/bodyView/1041/>

فقیهی، ابوالحسن؛ ذاکری، محمد؛ اسدی، اسماعیل (۱۳۹۳)، «ارزیابی عملکرد مجالس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران (مورد مطالعه مجلس سوم تا هشتم)»، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۲.

فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، تحولات سیاسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، (جلد دوم)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مرادی، سجاد (۱۳۹۵)، نظارت پارلمانی (۱)؛ مطالعه تطبیقی کارنامه نظارتی ادوار هشتم و نهم مجلس، بررسی موردی تذکر، سؤال، استیضاح، و تحقیق و تفحص، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره اول در لوح مشروح متن قابل جست‌وجوی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، (نسخه دوم)، تهران: کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی (ضدروش ۲)، تهران: جامعه‌شناسان.

مرتجی، حجت (۱۳۷۷)، جناح‌های سیاسی در ایران امروز، تهران: نقش‌ونگار.

میلانی، محسن (۱۳۸۳)، شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو.

نهضت آزادی (۱۳۶۴)، صفحاتی از تاریخ ایران، اسناد نهضت مقاومت ملی ایران، تهران: نهضت آزادی.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ حاکمیت و نهادهای

سیاسی، جلد دوم، تهران: میزان.
هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۸۰)، آرامش و چالش (خاطرات سال ۱۳۶۲)، تهران: دفتر
نشر معارف انقلاب.

Benesch, Christine, Büttler, Monika and Hofer, Katharina (2018), "Transparency in Parliamentary Voting 2018", *Journal of Public Economics*, No.163, 10.1016/j.jpubeco.2018.04.005

Bourdieu, Pierre, J.-C, Chamboredon, J-c, Passeron (1968), *Le Metier de Sociologue*, Paris: Mouton- Bordas.

Bourdieu, Pierre (2005), *The Social Structures of the Economy*, Cambridge: Polity.

_____ (1984), *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste (R.Nice, Trans)*, Cambridge: Harvard University Press.

_____ (2000), *Pascalian Meditation*, translated by: Richard Nice, Cambridge: Polity.

_____ (1994), *Strategies de Reproduction et Modes de Dominations, Acts de la Recherche en Science Sociales*, No. 105.

Bourdieu, p. and Wacquant, L (1992), *An Invitation to Reflexive Sociology*, Chicago.IL:University of Chicago Press.

Carson Jamie, L. and Sievert, Joel (2015), "Electoral Reform and Changes in Legislative Behavior: Adoption of the Secret Ballot in Congressional Elections", *Legislative Studies Quarterly*, Vol.40, Issue. 1.

Hug, Simon and Reto, Wues (2014), "Party Pressure in Roll Call Votes", *Paper Presented at: the Annual Meeting of the American Political Science Association*, WashingtonD.C., August28-31.

Jun, Hae-won and Hix, Simon (2010), "Electoral Systems, Political Career Paths and Legislative Behavior: Evidence from South Korea's Mixed-Member System", *Japanese Journal of Political Science*, Vol. 11, Issue 2, available at: <https://doi.org/10.1017/S1468109910000058>.

Norris, pippa (2002), *Ballot Structures & Legislative Behavior*, America: John F. Kennedy School of Government Harvard University in: <https://sites.hks.harvard.edu/fs/pnorris/Acrobat/Miami%20Norris.pdf>.

Norton, Philip (1999), *Introduction: Putting Pressure on, Parliaments, Parliaments and Pressure Groups in Western Europe* Frankcasspublisher.

Warde, Alen (2004), "Practice and Field: Revising Bourdieusian Concepts", *CRIC Discussion Paper*, No. 65.